

تبرک به اشیاء مقدس در میراث حدیثی امامیه

در آمد

بهره‌مندی و تبرک جستن از ساحت اولیای الهی و آثارشان و همچنین برخی اشیاء مقدس، یکی از بحث‌های پرچالش در میان دانشمندان اسلامی است. وجود نوشتارهای گوناگون در این مسأله توسط پاره‌ای از فرهیختگان امامی، نشان از دغدغه آنان در این خصوص دارد. این نوشته‌ها که هر کدام در جای خود قابل تقدیر است، عموماً با تکیه بر منابع اهل سنت سامان یافته است به همین دلیل نگارنده در نظر دارد صرفاً با استناد به میراث حدیثی امامیه، نگاهی در خصوص مشروعیت جواز تبرک به برخی اشیائی که نوعی امتیاز و قداست را داریند، به رشته تحریر درآورد.

تبرک به اشیاء مقدس

در منظومه حدیثی امامیه تبرک جویی و بهره‌وری، به عنوان یک آموزه‌ای فراگیر است که تنها به ساحت اولیای الهی و آثارشان خلاصه نمی‌شود بلکه هر آنچه که سهمی از خیر و برکت را داراست، در این دایره می‌گنجد از همین روی؛ نیم خورده مومن، آب زمزم، لباسی که در آن نماز خوانده می‌شود و ... به عنوان اشیائی متبرک و قابل بهره‌وری معرفی شدند. این بخش به نوبه خود روایات قابل قبولی را به خود اختصاص داده است. در ادامه به بررسی این دسته روایات می‌پردازیم:

۱. تبرک به نیم خورده مومن (روایت دارای دو سند صحیح است)

مطابق دو روایتی که شیخ صدوق می‌آورد معصوم علیه السلام نیم خورده مومن را شفا می‌داند. روشن است استفاده نمودن از نیم خورده به قصد شفا عبارت دیگر از تبرک جستن بدان است. گفتنی است سند هر دو روایت مطابق استانداردهای دانش رجال، کاملاً معتبر و قابل اعتماد است. در ادامه متن این دو به همراه بررسی سند آنها ارائه می‌گردد:

متن اول: فی سؤر المؤمن شفاء من سبعین داء

متن نخست در کتاب ثواب الاعمال شیخ صدوق به گونه ذیل انعکاس یافته است:

أبي رحمه الله قال حدثني سعد بن عبد الله عن محمد بن عيسى عن الحسن ابن علي بن بنت الياس عن عبد الله بن سنان قال أبو عبد الله عليه السلام: **في سؤر المؤمن شفاء من سبعين** **داء.**

عبد الله بن سنان می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: همانا در نیم خورده مؤمن درمان هفتاد نوع درد است.

صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، ثواب الأعمال، ص ۱۵۱، منشورات الشريف الرضى - قم

بررسی سند:

شرح حال پدر شیخ صدوق و سعد بن عبد الله به عنوان اولین و دومین راوی در این سلسله، بیان گردید. نجاشی درباره محمد بن عیسی می گوید:

محمد بن عیسی بن عبید بن یقظین جلیل فی أصحابنا ثقة عین.

(در میان اصحاب ما دارای جلالت قدر است و نیز مورد وثوق و بزرگ است).

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۳۳۳، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

حسن بن علی بن بنت الیاس نیز همان حسن بن علی بن زیاد است. نجاشی درباره او می گوید:

کان من وجوه هذه الطائفة.

(از بزرگان طایفه امامیه است).

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۳۹، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

عبد الله بن سنان هم مطابق گزارش نجاشی فردی مورد وثوق است و طعنی بر او نمی باشد. او می گوید:

ثقة جلیل لا یطعن علیه فی شیء.

(فردی مورد وثوق و بزرگ است و طعنی بر او نیست).

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢١٤، تحقيق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

متن دوم: سؤر المؤمن شفاء

روایت دیگر از شیخ صدوق در همین رابطه را صاحب وسائل، چنین روایت می‌کند:

في الخصال باسناده عن علي عليه السلام في حديث الأربعمئة قال : سؤر المؤمن شفاء.

الحر العاملی، محمد بن الحسن (متوفای ١١٠٤هـ)، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، ج ٢٥، ص

٢٦٣، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الثانية، ١٤١٤هـ.

در ادامه تفصیل سند روایت فوق به همراه بررسی آن تقدیم می‌گردد:

حدثنا أبي رضي الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثني محمد ابن عيسى بن عبيد

اليقطيني عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن أبي

عبد الله عليه السلام قال : حدثني أبي عن جدي عن آبائه عليهم السلام أن أمير المؤمنين عليه

السلام في حديث الأربعمئة ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ٣٨١هـ)، الخصال، ص ٦١٠، تحقیق، تصحیح و تعلیق:

علی أكبر الغفاری، ناشر: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، سال چاپ ١٤٠٣ - ١٣٦٢

بررسی سند:

شرح حال سه نفر نخست در این سلسله، در بالا گشت. قاسم بن يحيى هم از نظر شيخ

صدوق قابل اعتماد است زیرا یکی از روایاتی که نامبرده در سلسله سند آن وجود دارد، شيخ صدوق

آن را صحیح دانسته است. آیت الله خوئی در این باره می‌گوید:

لا يبعد القول بوثاقة القاسم بن يحيى لحكم الصدوق بصحة ما رواه في زيارة الحسين

عليه السلام عن الحسن بن راشد وفي طريقه إليه القاسم بن يحيى بل ذكر أن هذه الزيارة أصح

الزيارات عنده رواية ... ومقتضى حكمه مطلقاً بأن هذه أصح رواية يشمل كونها أصح من جهة

السند أيضاً ولا يعارضه تضعيف ابن الغضائري لما عرفت من عدم ثبوت نسبة الكتاب إليه.

بعيد نسبت که به وثاقت قاسم بن يحيى حکم شود زیرا شيخ صدوق حکم به درستی روایتی را که درباره

زیارت امام حسن عليه السلام از طریق حسن بن راشد بوده و در آن قاسم بن يحيى هم وجود دارد، می‌کند. بلکه

گفته است که این روایت صحیحترین روایات نزد اوست. مقتضای اطلاق کلام شيخ آن است که از نظر سند هم

صحیحترین آنها باشد و تضعیف ابن غضائری در کتابش درباره قاسم بن یحیی در تعارض با سخن شیخ صدوق قرار نمی گیرد زیرا اصل انتساب این کتاب به ابن غضائری ثابت نیست.

الموسوی الخوئی، السید أبو القاسم (متوفای ۱۴۱۱هـ)، معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۶۸، الطبعة الخامسة، ۱۴۱۳هـ - ۱۹۹۲م

گفته آیت الله خوئی وثاقت راوی بعدی یعنی حسن بن راشد را هم ثابت می کند زیرا وی نیز یکی از راویان روایت زیارة الحسین علیه السلام است که شیخ صدوق آن را صحیحترین روایات در باب زیارات، می داند. علاوه بر آنکه نامبرده از جمله راویان تفسیر علی بن ابراهیم قمی است و علی بن ابراهیم همه راویان تفسیرش را که سند آن به یکی از معصومان علیهم السلام منتهی می شود، توثیق کرده است. وی در مقدمه تفسیر می گوید:

نحن ذاکرون ومخبرون بما ینتهی الینا ورواه مشایخنا وثقاتنا.

(ما در این تفسیر خبر می دهیم به آنچه که از طریق افراد مورد وثوق به ما رسیده است)

القمی، أبی الحسن علی بن ابراهیم (متوفای ۳۱۰هـ) تفسیر القمی، ج ۱، ص ۴، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: السید طیب الموسوی الجزائری، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ۱۴۰۴.

دو راوی آخر یعنی ابو بصیر و محمد بن مسلم هم وثاقتش روشن است. نجاشی درباره ابو

بصیر می گوید: **ثقة وجیه** (فردی ثقه و موجه است)

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۴۴۱، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

همچنین درباره محمد بن مسلم می گوید:

کان من أوثق الناس.

(یکی از موثقترین افراد بود)

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۳۲۴، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ

۲. تبرک به غذایی که از سفره بیرون می افتد (سند روایت معتبر است)

استشفاء و تبرک به طعامی که از سفره بیرون افتاده است، پیام دسته‌ای دیگر از روایات منابع ماست. این روایات با سندهای متنوع و معتبر در میراث حدیثی امامیه به ثبت رسیده است. در ادامه نمونه‌های از آن خواهد آمد:

سند اول: امام صادق از پدرانیش از امیر مومنان علیهم السلام

سند نخست را صاحب کتاب محاسن به شرح ذیل آورده است:

البرقي عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن أبي بصير عن أبي عبد الله عن آبائه عليهم السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: كلوا ما يسقط من الخوان فإن فيه شفاء من كل داء بإذن الله لمن أراد أن يستشفى به.

آنچه را که از سفره بیرون می‌افتد بخورید که شفای هر دردی به اذن خداست برای هر کسی که بدان شفا جوید.

برقی، أحمد بن محمد بن خالد (متوفای ۲۷۴)، المحاسن، ج ۲، ص ۴۴۴، دار الکتب الإسلامية - طهران

بررسی سند

اعتبار و وثاقت همه راویان یعنی قاسم بن یحیی، حسن بن راشد و ابو بصیر در بالا گذشت.

سند دوم: امام صادق از امیر مومنان علیهما السلام

کلینی همین متن را با سند ذیل می‌آورد:

محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام ...

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الكافي، ج ۶، ص ۳۰۰، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند:

نجاشی درباره محمد بن یحیی العطار می‌گوید:

شيخ أصحابنا في زمانه، ثقة.

(او در زمان خودش بزرگ اصحاب ما بوده و فردی مورد وثوق است)

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰ هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۳۵۳، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶ هـ.

شيخ طوسی درباره أحمد بن محمد بن عیسی اشعری می‌گوید:

وأبو جعفر هذا شيخ قم و وجهها.

(ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی، بزرگ اهل قم و نزد آنان دارای جایگاه بوده است)

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۶۶۰هـ)، الفهرست، ص ۶۸، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى ۱۴۱۷ اعتبار و اتقان سایر روایات هم در روایت قبلی بیان گردید.

سند سوم: امام صادق از پدرانیش از امیر مومنان علیهم السلام

سند سوم در این باره را شیخ صدوق چنین به ثبت رسانده است:
حدثنا أبي رضي الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثني محمد ابن عيسى بن عبيد اليقطيني عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن أبي عبد الله قال: حدثني أبي عن جدي عن آبائه عن أمير المؤمنين عليهم السلام ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسن (متوفای ۳۸۱هـ)، الخصال، ص ۶۱۳، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، ناشر: منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، سال چاپ ۱۴۰۳ - ۱۳۶۲

بررسی سند

همانظر که از نظرتان گذشت همه راویان دارای اعتبار و اتقان کافی هستند

۳. تبرک به لباسی که در آن نماز خوانده شده است (روایت دارای سند معتبر است)

در پاره‌ای از روایات از لباسی که در آن نماز خوانده شده، به عنوان شیئی نافع و قابل تبرک یاد شده است. به همین سبب استفاده از چنین لباسی به عنوان کفن میت امری مستحسن شمرده شده است.

سند اول: سهل از امام رضا علیه السلام

روایت نخست در این باره را شیخ طوسی در تهذیبش نگاشته است. گفتنی است صاحب وسائل این روایت را به عنوان یکی از روایات "باب استحباب تکفین الميت فی ثوب کان یصلي فيه ویصوم" آورده است.

الحر العاملی، محمد بن الحسن (متوفای ۱۱۰۴هـ)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۳، ص ۱۵، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴هـ.

بهذا الاسناد (أخبرني به الشيخ أيداه الله تعالى عن أبي القاسم جعفر ابن محمد عن أبيه عن سعد بن عبد الله) عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن سهل عن أبيه قال: سألت أبا

الحسن عليه السلام عن الثياب التي يصلي فيها الرجل ويصوم أيكفن فيها؟ قال: أحب ذلك الكفن يعني قميصا.

سهل می گوید از امام رضا علیه السلام پرسیدم آیا می توان از لباسی که شخص در آن نماز می خواند و روزه می گرفت به عنوان کفن او استفاده نمود؟ امام علیه السلام فرمود: من این کفن را دوست می دارم.
الطوسی، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۹۳، تحقیق: السيد حسن الموسوی الخراسان، ناشر: دار الکتب الإسلامیة - طهران، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ ش .

سند دوم: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام

روایت دوم را نیز شیخ طوسی در تهذیبش چنین می نگارد:

علي بن محمد عن محمد بن خالد عن عبد الله المغيرة عن علا عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال: إذا أردت أن تكفنه فان استطعت أن يكون في كفته ثوب كان يصلي فيه نظيف فافعل فان ذلك يستحب أن يكفن فيما كان يصلي فيه.

هر گاه خواستی میتی را کفن کنی، اگر می توانی لباس پاکیزه ای را که میت در آن نملز می گذارده به عنوان کفن او قرار ده. همان چنین عملی استحباب دارد.

الطوسی، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۹۲، تحقیق: السيد حسن الموسوی الخراسان، ناشر: دار الکتب الإسلامیة - طهران، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ ش .

سند سوم: عبد الله بن مغیره از بعض اصحابش

روایت سوم را مرحوم کلینی به صورت غیر مسند ثبت نموده است. لازم به ذکر است انتهای سند کافی به معصوم علیه السلام نمی رسد که می توان آن را افتادگی نسخه دانست و به نظر همان روایت امام باقر علیه السلام می باشد چنانچه شیخ طوسی و شیخ صدوق همین روایت را از امام باقر علیه السلام به ثبت رساندند.

علي بن إبراهيم عن أبيه عن عبد الله بن المغيرة عن بعض أصحابه قال: يستحب أن يكون في كفته ثوب كان يصلي فيه نظيف فإن ذلك يستحب أن يكفن فيما كان يصلي فيه.

الكلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۳، ص ۱۴۸، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند چهارم: شیخ صدوق از امام باقر علیه السلام

چهارمین سند را شیخ صدوق بدون ذکر سلسله سند از امام باقر علیه السلام اینگونه نقل

می‌کند:

قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: إذا كفت الميت فإن استطعت أن يكون في كفته ثوب
كان يصلي فيه نظيفا فافعل فإنه يستحب أن يكفن فيما كان يصلي فيه.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۶،

تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

سند پنجم: حلبی از امام صادق علیه السلام

امام باقر علیه السلام هم به گفته امام صادق علیه السلام، وصیت نموده که او را در لباسی که

در روز جمعه در آن نماز می‌گذاشت، کفن کند. صاحب وسائل این روایت را ذیل "باب استحباب
تکفین الميت في ثوب كان يصلي فيه" آورده است.

الحر العاملی، محمد بن الحسن (متوفای ۱۱۰۴هـ)، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۳، ص

۱۵، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴هـ.

علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه

السلام قال: كتب أبي في وصيته أن أكفنه في ثلاثة أثواب أحدها رداء له حبرة كان يصلي فيه
يوم الجمعة وثوب آخر وقميص.

امام صادق علیه السلام فرمود پدرم وصیت نمود که او را در سه قطعه کفن کنم در آن لباسی که روز جمعه

در آن نماز می‌خواند همچنین در یک لباس دیگر و قمیص.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۳، ص ۱۴۴، ناشر:

اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲هـ.ش.

بررسی سند

مطابق ادعای پاره‌ای از عالمان، روایت فوق از سند قابل قبولی برخوردار است علامه حلی در

باره سند آن می‌گوید: روي الشيخ في الحسن عن الحلبي.

الحلی الأسدی، جمال الدین أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفای ۷۲۶هـ)، منتهی المطلب فی

تحقیق المذهب، ج ۱ ص ۴۳۸، تحقیق: قسم الفقه فی مجمع البحوث الإسلامية، ناشر: مجمع البحوث الإسلامية -

ایران - مشهد، چاپخانه: مؤسسه الطبع والنشر فی الآستانة الرضویة المقدسة، چاپ: الأولى ۱۴۱۲

در کتاب جواهر هم از این روایت با عبارت " في حسن الحلبي عن الصادق عليه السلام " یاد شده است.

النجفی، الشیخ محمد حسن (متوفای ۱۲۶۶هـ)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۱۹۷، تحقیق و تعلیق و تصحیح: محمود القوچانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیه - تهران، الطبعة: السادسة، ۱۳۶۳ش.

صاحب حدائق نیز در این باره می نویسد:

في الكافي في الصحيح أو الحسن عن الحلبي عن الصادق عليه السلام.

البحرانی، الشیخ یوسف، (متوفای ۱۱۸۶هـ)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۴، ص ۳۰، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

سند ششم: عبد الاعلی از امام صادق علیه السلام

کلینی مضمون روایت قبلی را با یک سند دیگر به ثبت رسانده است:

علي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس بن عبد الرحمن عن عبد الاعلى عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن أبي عليه السلام لما حضرته الوفاة قال: اكتب ... و أوصى محمد بن علي إلى جعفر بن محمد وأمره أن يكفنه في بردة الذي كان يصلي فيه الجمعة وأن يعممه بعمامته.

امام صادق علیه السلام: پدرم وقت مردن به من فرمود بنویس ... محمد بن جعفر وصیت می کند به جعفر بن محمد که او را در بُردی که روز جمعه در آن نماز می خواند و در عمامه خودش کفن کند.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۷، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

۴. تبرک به حجر الاسود (سند روایت صحیح است)

دست کشیدن و بوسیدن حجر الاسود که اصطلاحاً آن را استلام حجر الاسود می گویند، از جمله اعمال حج به شمار می آید. به نظر می آید بهره وری و تبرک جویی، در این عمل هم لحاظ شده است. گفتار صاحب جواهر، صاحب ریاض و فاضل هندی " أصله مشروع للتبرک به والتحجب إليه " هم این نظر را تقویت می کند.

النجفی، الشیخ محمد حسن (متوفای ۱۲۶۶هـ)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۹، ص ۳۴۴، تحقیق و تعلیق و تصحیح: محمود القوچانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیه - تهران، الطبعة: السادسة، ۱۳۶۳ش.

الطباطبائی، الفقیه المدقق السید علی (متوفای ۱۲۳۱هـ)، ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل، ج ۷، ص ۳۶، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، رمضان المبارک ۱۴۱۲ هـ.

الاصفهانى، الشيخ بهاء الدين محمد بن الحسن الأصفهانى المعروف بـ الفاضل الهندى (متوفى ١١٣٧هـ)، كشف اللثام عن قواعد الأحكام، ج ٥، ص ٤٦٣، تحقيق: مؤسسة النشر الإسلامى، ناشر: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ: الأولى، سال چاپ: ١٤١٦.

برخی از لغت شناسان نیز همین نگاه را دریافت نمودند. ابن منظور می گوید:

قال الازهرى: استلامه لمسه باليد تحريا لقبول السلام منه تبركا به.

الأفریقی المصرى، جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور (متوفى ٧١١هـ)، لسان العرب، ج ١٢، ص ٢٩٨، ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى.

این احادیث با متنهای مختلف و سندهای متنوع و معتبر در میراث حدیثی امامیه به ثبت رسیده است. در ادامه برخی از این دسته روایتها ارایه می گردد:

سند اول: محمد بن عیسی و احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم

سند نخست را حمیری در قرب الاسناد ثبت نموده است. نکته قابل توجه در این روایت آنکه امام کاظم علیه السلام علاوه بر استلام حجر الاسود، همین عمل را "ما بین الحجر الی الباب" هم به جا آورده است.

محمد بن عیسی و أحمد بن إسحاق جميعا عن سعدان بن مسلم قال: رأيت أبا الحسن موسى عليه السلام ... استلم الحجر ثم صلى ركعتين خلف مقام إبراهيم عليه السلام ثم عاد إلى الحجر فاستلم ما بين الحجر إلى الباب.

سعدان بن مسلم می گوید امام کاظم علیه السلام را دیدم که استلام حجر نموده سپس دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم علیه السلام به جا آورد آنگاه به سوی حجر الاسود برگشت و از آنجا تا نزد باب را استلام نمود.

الحمیری القمی، أبی العباس عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، ص ٣١٧، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپخانه: مهر - قم، چاپ: الأولى، سال چاپ: ١٤١٣

سند دوم: حسن بن علی کوفی از علی بن مهزیار

سند دوم را مرحوم کلینی درباره دست کشیدن و بوسیدن حجر الاسود توسط امام جواد علیه السلام و با سندی قابل قبول روایت می کند.

عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد وأبو علي الأشعري عن الحسن بن علي الكوفي عن علي بن مهزيار قال: رأيت أبا جعفر الثاني عليه السلام في سنة خمس و عشرين ومائتين ودع

البيت واستلم الحجر ومسح بيده ثم مسح وجهه بيده... فرأيته في سنة سبع عشرة ومائتين ودع البيت... ثم أتى الحجر فقبله ومسحه.

علی بن مهزیار می گوید در سال ۲۲۵ مشاهده نمودم امام جواد علیه السلام استلام حجر به جا آورده و با دستانش آن را مسح نمود آنگاه صورت خود را به همان دست مالید... و در سال ۲۱۷ مشاهده نمودم که آن حضرت با کعبه وداع کرد سپس نزد حجر الاسود آمد آن را بوسید و مسح نمود.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۵۳۲، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

بررسی های انجام گرفته نشان می دهد سند این روایت کاملاً قابل اعتماد است. علامه مجلسی سند روایت را صحیح می داند.

المجلسی، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱ هـ)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۸، ص ۲۳۰، ناشر: دار الکتب الإسلامیة - تهران، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴ هـ - ۲۶۳ ش.

پدر علامه مجلسی و صاحب حدائق درباره سند این روایت با عبارت مشترک " فی الصحیح عن علی بن مهزیار " یاد نمودند.

المجلسی، محمد تقی (متوفای ۱۰۷۰ هـ)، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۵، ص ۳۱۲، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۰۶ ق

البحرانی، الشیخ یوسف، (متوفای ۱۱۸۶ هـ)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۷، ص ۳۴۰، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

نجاشی راوی نخست یعنی ابو علی اشعری را با عبارت " کان ثقة " (فردی مورد وثوق بود) ستوده است.

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰ هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۹۲، تحقیق: السيد موسى الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶ هـ

همچنین راوی بعدی یعنی حسن بن علی کوفی را با تاکید هر چه تمام می ستاید و می گوید:

ثقة ثقة (وثاقت بالایی دارد)

النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشیعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۶۲، تحقیق: السید موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

علی بن مهزیار هم به گفته شیخ طوسی اعتبار بالایی دارد. **جلیل القدر ثقة** (دارای منزلت و مورد وثوق است)

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الفهرست، ص ۱۵۲، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى ۱۴۱۷

سند سوم: معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

کلینی روایت دیگر در همین رابطه با سند معتبر، چنین می‌نگارد:

علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير ومحمد بن إسماعيل عن الفضل ابن شاذان عن ابن أبي عمير وصفوان بن يحيى عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام: إذا دنوت من الحجر الأسود فارع يديك واحمد الله وصل على النبي صلى الله عليه وآله ... ثم استلم الحجر وقبله فإن لم تستطع أن تقبله فاستلمه بيدك.

امام صادق علیه السلام: زمانی که نزدیک حجر الاسود شدی دستانت را به سوی آسمان بلند کن و شکر خدای را به جا آور و بر پیامبر و خاندانش درود فرست سپس استلام حجر الاسود را به جا آور و آن را ببوس و اگر نمی‌توانی بر آن بوسه زنی، با دستانت آن را لمس کن.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۴۰۳، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

سند این روایت در نگاه عده‌ای از عالمان، معتبر و قابل قبول است. صاحب جواهر از این روایت با عنوان "**صحيح معاوية بن عمار**" تعبیر می‌کند

النجفی، الشیخ محمد حسن (متوفای ۱۲۶۶هـ)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۹، ص ۳۴۰، تحقیق و تعلیق و تصحیح: محمود القوچانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیة - تهران، الطبعة: السادسة، ۱۳۶۳ش.

علامه حلی، همچنين صاحب حدائق با عبارت "**في الصحيح عن معاوية بن عمار**" از آن یاد نمودند.

الحلی الأسدی، جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای ۷۲۶هـ)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۲، ص ۶۹۳، تحقیق: قسم الفقه فی مجمع البحوث الإسلامیة، ناشر: مجمع البحوث الإسلامیة - ایران - مشهد، چاپخانه: مؤسسه الطبع والنشر فی الآستانة الرضویة المقدسة، چاپ: الأولى ۱۴۱۲
البحرانی، الشیخ یوسف، (متوفای ۱۱۸۶هـ)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۶، ص ۱۱۷، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.
علامه مجلسی هم سند این روایت را معتبر می داند و می گوید: **حسن كالصحيح**.
المجلسی، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱هـ)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۸، ص ۱۴، ناشر: دار الکتب الإسلامیة - تهران، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۴هـ - ۱۳۶۳ش.

سند چهارم: حریز بن عبد الله از امام صادق علیه السلام

روایت چهارم را شیخ صدوق با سلسله سند متصل از حریز بن عبد الله و او از امام صادق علیه السلام اینگونه آورده است:

حدثنا أبي قال حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن عبد الرحمان بن أبي نجران والحسين بن سعيد جميعا عن حماد بن عيسى عن حريز بن عبد الله عن أبي عبد الله عليه السلام قال كان الحجر الأسود أشد بياضا من اللبن فلو لا ما مسه من أرجاس الجاهلية ما مسه ذو عاهة إلا برء.

امام صادق علیه السلام فرمودند: حجر الاسود از شیر سفیدتر بود اگر آلودگیهای جاهلیت آن را مس نمی کرد هیچ صاحب مرضی آن را مس نمی کرد مگر آنکه از مرضش بهبودی پیدا می نمود.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۸، تحقیق و تقدیم: السيد محمد صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها - النجف الأشرف، الطبعة: ۱۳۸۵ - ۱۹۶۶ م

بررسی سند

راویان حدیث یاد شده همگی از اتقان کافی برخوردارند. اعتبار و جلالت قدر والد شیخ صدوق، سعد بن عبد الله و احمد بن محمد بن عيسى اشعری از نظرتان گذشت.

نجاشی با تاکید بر وثاقت ابن ابی نجران، درباره او می گوید:

ثقة ثقة معتمدا علی ما یرویه.

از وثاقت بالای برخوردار است و در آنچه که روایت می کند مورد اعتماد است.

النجاشی الأسدی الكوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی، ص ۲۳۵، تحقیق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

حماد بن عيسى، مطابق نظر نجاشی انسانی قابل اعتماد است. او میگوید:

كان ثقة في حديثه صدوقا.

فردی مورد وثوق و راستگو بود.

النجاشی الأسدی الكوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشی، ص ۱۴۲، تحقیق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

راوی دیگر شیخ طوسی آخرین راوی یعنی حریز بن عبد الله را با عبارت "ثقة" توصیف می کند.

الطوسی، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الفهرست، ص ۱۱۸، تحقیق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى ۱۴۱۷

سند پنجم: ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

شیخ صدوق مضمون روایت پیشین را با سلسله سندی دیگر از ابن عباس و او از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم به صورت ذیل انعکاس می دهد:

أخبرنا أبو عبد الله محمد بن شاذان بن أحمد بن عثمان البرواذي قال حدثنا أبو علي محمد بن الحارث بن سفيان الحافظ السمرقندي قال : حدثنا صالح بن سعيد الترمذي قال حدثنا عبد المنعم بن إدريس عن أبيه عن وهب اليماني عن ابن عباس ان النبي صلى الله عليه وآله قال لعائشة وهي تطوف معه بالكعبة حين استلما الركن وبلغا إلى الحجر يا عائشة لولا ما طبع الله على هذا الحجر من أرجاس الجاهلية وأنجاسها إذا لاستشفى به من كل عاهة.

وهب يمانی از ابن عباس نقل می کند که گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم طواف می فرمود و عائشه نیز همراه او بود وقتی رکن را استلام کرده و به حجر رسیدند به عائشه فرمودند: اگر آلودگی های جاهلیت بر این سنگ منتقل نشده بود به واسطه آن، هر انسان بیماری شفا می یافت.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۲۷، تحقیق و تقدیم: السيد محمد صادق بحر العلوم، ناشر: منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها - النجف الأشرف، الطبع:

۱۳۸۵ - ۱۹۶۶ م.

۵. تبرک به پرده کعبه

همچنین روایاتی چند و با سندهای متنوع، پیرامون تبرک به پرده خانه خدا سخن به میان آورده است. نمونه هایی از آن به قرار ذیل است:

متن اول: يصلح للصبيان والمصاحف والمخدة تبتغي بذلك البركة

متن نخست در کافی کلینی و من لا يحضره شيخ صدوق با دو سند متفاوت به شرح ذیل است:

سند اول: عبد الملك بن عتبة از امام صادق عليه السلام

سند نخست را مرحوم کلینی به صورت زیر، به ثبت رسانده است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَتَبَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا يَصِلُ إِلَيْنَا مِنْ ثِيَابِ الْكَعْبَةِ هَلْ يَصْلِحُ لَنَا أَنْ نَلْبَسَ شَيْئًا مِنْهَا قَالَ يَصْلِحُ لِلصَّبِيَّانِ وَ الْمَصَاحِفِ وَ الْمَخْدَةِ تَبْتَغِي بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

عبد الملك بن عتبة می گوید: در باره قطعاتی از جامه های کعبه که بما می رسد، از امام صادق علیه السلام سؤال کردم آیا برای ما شایسته است که چیزی از آنها را بپوشیم؟ امام فرمود: برای کودکان و جلد مصحف ها و مخده، بمنظور طلب برکت ان شاء الله تعالی شایسته است.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافي، ج ۴، ص ۲۲۹، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند دوم: عبد الملك بن عتبة از امام صادق عليه السلام

شيخ صدوق همین متن را با سند خود از عبد الملك بن عتبة، این گونه می آورد:

سأل عبد الملك بن عتبة أبا عبد الله عليه السلام عما يصل إلينا من ثياب الكعبة ...

الصدوق، أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ۳۸۱ هـ)، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۵۳،

تحقيق: علي أكبر الغفاري، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

شيخ صدوق در مشيخه من لا يحضره الفقيه، درباره سلسله سند خود تا عبد الملك بن عتبة،

می گوید:

كل ما كان في هذا الكتاب عن عبد الملك بن عتبة الهاشمي فقد روئته عن أبي عن سعد

بن عبد الله عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن الحسن بن علي ابن فضال عن محمد بن

أبي حمزة عن عبد الملك بن عتبة الهاشمي.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۸۸، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

متن دوم: يستنفع به ویطلب برکتہ

متن دوم نیز در دو کتاب یاد شده به قرار ذیل است:

أبو علي الأشعري عن بعض أصحابنا عن ابن فضال عن مروان عن عبد الملك قال: سألت أبا الحسن عليه السلام عن رجل اشترى من كسوة الكعبة شيئاً فقضى ببعضه حاجته وبقي بعضه في يده هل يصلح بيعه؟ قال: يبيع ما أراد ويهب ما لم يرد ويستنفع به ويطلب برکتہ.

عبد الملك می گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره مردی که از جامه‌ی کعبه می خرد و با قسمتی از آن مشککش را برطرف می کند پرسیدم که آیا می تواند بقیه را بفروشد؟ فرمود: آنچه را که می خواهد می تواند بفروشد و آنچه را که نمی خواهد بفروشد، می بخشد و از آن استفاده برده و برکت می طلبد.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۳، ص ۱۴۸، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سئل موسى بن جعفر عليهما السلام عن رجل اشترى من كسوة الكعبة شيئاً فقضى ببعضه حاجته وبقي بعضه في يده هل يصلح بيعه؟ فقال: يبيع ما أراد ويهب ما لم يرد ويستنفع به ويطلب برکتہ.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۷، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۶. تبرک به آب زمزم (روایت دارای سند صحیح است)

در برخی روایات از آب زمزم به عنوان شفای دردها یاد شده است از همین روی استفاده از آن به جهت رفع بیماریها، سفارش شده است. این هم روشن است استفاده از آب زمزم به عنوان عاملی بهبود بخش، تبرک بدان را به همراه دارد. این قبیل روایات با سندهای گوناگون و معتبر در منابع امامیه به ثبت رسیده که در ادامه متن آنها به همراه ارزشیابی اسنادشان تقدیم می گردد:

متن اول: ولیشرب منه ولیصب علی رأسه وظهره وبطنه ویقول اللهم اجعله شفاء من کل داء

در برخی متون حدیثی از خوردن آب زمزم و ریختن آن بر اعضای بدن به قصد بهبودی امراض، سخن به میان آمده است. متن مذکور در دو جا از کتاب کافی و یک جا از تهذیب شیخ طوسی و با سندهای قابل قبول به ثبت رسیده است:

کلینی سند نخست از حلبی و او از امام صادق علیه السلام اینگونه نقل می کند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ
السَّلَامُ قَالَ: إِذَا فَرَّغَ الرَّجُلُ مِنْ طَوَافِهِ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَلْيَأْتِ زَمْزَمَ وَ لَيْسَتْ مِنْهُ ذُنُوبًا أَوْ ذُنُوبَيْنِ وَ
لْيَشْرَبْ مِنْهُ وَ لِيَصْبِ عَلَى رَأْسِهِ وَ ظَهْرِهِ وَ بَطْنِهِ وَ يَقُولُ - اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ
شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ...

زمانی که از طواف فارغ گشت و دو رکعت به جا آورد نزد زمزم آید و از آن بنوشد و مقداری از آن را بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: بار خدایا آن را علم سودمند، رزق با وسعت و شفای هر درد، قرار ده.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۴۳۰، ناشر:

اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

عده‌ای از عالمان امامی روایت فوق را دارای سندی قابل اعتماد دانسته‌اند علامه حلی

می گوید:

قول الصادق عليه السلام في الصحيح.

(گفتار امام صادق علیه السلام در روایت صحیح)

الحلی، الحسن بن یوسف (متوفای ۷۲۶ هـ) تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۳۰، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم

السلام لإحياء التراث، محل نشر: قم، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ: الأولى، سال چاپ

: محرم ۱۴۱۴

مجلسی پدر هم پیرامون سند این روایت از عبارت "في الحسن كالصحيح" استفاده نموده

است.

المجلسی، محمد تقی (متوفای ۱۰۷۰ هـ)، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۵، ص ۲۵۷،

محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاوردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، مکان

چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۰۶ ق

در کتاب جواهر هم چنین آمده است:

قال الصادق عليه السلام في حسن الحلبي.

(امام صادق علیه السلام در روایتی که با سند نیکو از حلبی نقل شده است، گفت ...)

النجفی، الشیخ محمد حسن (متوفای ۱۲۶۶ هـ)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۹، ص ۴۱۲،

تحقیق و تعلیق و تصحیح: محمود القوچانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیه - تهران، الطبعة: السادسة، ۱۳۶۳ ش.

عبارت حدائق الناظره این است:

عن الحلبي في الصحيح أو الحسن.

(روایتی که با سندی صحیح یا حسن (نیکو) از حلبي نقل شده است)

البحرانی، الشیخ یوسف، (متوفای ۱۸۶هـ)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۶، ص ۲۵۹،

ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

سند دوم: معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام

سند دوم توسط معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام به شرح ذیل است:

علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير ومحمد بن إسماعيل عن الفضل ابن شاذان عن

صفوان بن يحيى وابن أبي عمير عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا فرغت

من الركعتين فأت الحجر الأسود وقبله ... وقال: إن قدرت أن تشرب من ماء زمزم قبل أن تخرج

إلى الصفا فافعل وتقول حين تشرب: اللهم اجعله علما نافعا ورزقا واسعا وشفاء من كل داء و

سقم.

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند: آنگاه که از دو رکعت فارغ شدی نزد حجر الاسود

بیا و آن را ببوس ... و اگر می توانی قبل از آنکه به سوی صفا خارج شوی، از آب زمزم بنوشی، این کار را انجام

ده و هنگام نوشیدن چنین می گویی: بار خدایا آن را علم نافع، روزی با وسعت و شفای هر دردی قرار ده.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۴۳۰، ناشر:

اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

مجلسی پدر، صاحب جواهر و صاحب حدائق از این روایت با عنوان "صحیحه معاویه

عمار" یاد نمودند.

المجلسی، محمد تقی (متوفای ۱۰۷۰هـ)، روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، ج ۵، ص ۲۵۶،

محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاوردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، مکان

چاپ: قم، سال چاپ: ۱۴۰۶ ق

النجفی، الشیخ محمد حسن (متوفای ۱۲۶۶هـ)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۹، ص ۴۱۱،

تحقیق و تعلیق و تصحیح: محمود القوچانی، ناشر: دار الکتب الاسلامیه - تهران، الطبعة: السادسة، ۱۳۶۳ ش.

البحرانی، الشیخ یوسف، (متوفای ۱۸۶هـ)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱۶، ص ۲۵۸،

ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

روایت سوم را شیخ الطائفة بدون ذکر قسمت اخیر آن آورده است:

الحسين بن سعيد عن محمد بن أبي عمير عن حفص بن البختري عن أبي الحسن موسى عليه السلام وابن أبي عمير عن حماد بن عثمان عن عبيد الله الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: يستحب ان تستقي من ماء زمزم دلوا أو دلوين فتشرب منه وتصب على رأسك وجسدك وليكن ذلك من الدلو الذي بحذاء الحجر.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ١٤٥، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخراسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، ١٣٦٥ ش .

بررسی سند

این روایت هم به اعتقاد پاره‌ای از دانشمندان، از اعتبار کافی برخوردار است. علامه حلی

می‌گوید:

عن الصادق والكاظم عليه السلام - في الصحيح -

الحلی، الحسن بن یوسف (متوفای ٧٢٦هـ) تذکره الفقهاء، ج ٨، ص ١٣٠، تحقیق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، محل نشر: قم، ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، چاپ: الأولى، سال چاپ: محرم ١٤١٤

مجلسی پدر هم با عبارت "في الصحيح عن حفص بن البختري و في الصحيح عن عبيد الله الحلبي" از آن یاد می‌کند.

المجلسی، محمد تقی (متوفای ١٠٧٠هـ)، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، ج ٥، ص ٢٥٦، محقق / مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهااردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، مکان چاپ: قم، سال چاپ: ١٤٠٦ ق

عبارت دو کتاب جواهر و حدائق هم به ترتیب چنین است:

في صحيح حفص وعبيد الله الحلبي - في الصحيح عن حفص بن البختري.

النجفی، الشيخ محمد حسن (متوفای ١٢٦٦هـ)، جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام، ج ١٩، ص ٤١٢، تحقيق وتعليق وتصحيح: محمود القوچانی، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، الطبعة: السادسة، ١٣٦٣ ش .
البحرانی، الشيخ يوسف، (متوفای ١١٨٦هـ)، الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، ج ١٦، ص ٢٥٩، ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

متن دوم: ماء زمزم دواء لما شرب له

در برخی روایات از آب زمزم به عنوان دوائی دردها یاد شده است. متن این روایت دست کم با سه سند به ثبت رسیده است.

سند اول: امام صادق از امیر مومنان علیهما السلام

سند نخست را مرحوم کلینی از امام صادق و او از امام علی علیهما السلام چنین می‌آورد:
عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن جعفر بن محمد الأشعري عن ابن القداح عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ماء زمزم دواء مما شرب له.

امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: آب زمزم برای کسی که از آن می‌نوشد دواء است.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۶، ص ۳۸۷، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانیة، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند دوم: امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

همین روایت توسط امام باقر و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شرح ذیل در محاسن برقی انعکاس یافته است:

عنه عن ابن القداح عن أبي عبد الله عن أبيه عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ماء زمزم دواء لما شرب له.

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: آب زمزم برای کسی که از آن می‌نوشد دواء است.

برقی، أحمد بن محمد بن خالد (متوفای ۲۷۴)، المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۳، دار الکتب الإسلامية - طهران

سند سوم: اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام

همچنین این روایت با سند دیگر در محاسن برقی به شکل زیر آمده است:

عنه عن أبيه عن محمد بن سنان عن إسماعيل بن جابر قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: ماء زمزم شفاء من كل داء.

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: آب زمزم شفای هر دردی است.

برقی، أحمد بن محمد بن خالد (متوفای ۲۷۴)، المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۳، دار الکتب الإسلامية - طهران

متن سوم: أسماء زمزم حفيرة عبد المطلب وشفاء سقم

یکی از نامهای زمزم مطابق روایت شیخ طوسی، "شفاء سقم" است. این روایت هم در فضای روایات پیشین است.

موسی بن القاسم عن صفوان بن يحيى عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: أسماء زمزم حفيرة عبد المطلب ... زمزم وشفاء سقم.

الطوسی، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۱۴۵، تحقیق: السيد حسن الموسوی الخراسان، ناشر: دار الکتب الإسلامية - طهران، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ ش .

۷. تبرک به آب ناودان کعبه

مطابق برخی روایات، امام صادق علیه السلام، استفاده از آب ناودان کعبه را جهت رفع بیماری سفارش نموده است. این مضمون روایات همانند احادیث پیشین، بهره‌وری و تبرک را به همراه دارد.

سند اول: صارم از امام صادق علیه السلام

سند نخست در محاسن برقی به شکل زیر آمده است:

عنه عن يعقوب بن يزيد عن يحيى بن المبارك عن عبد الله بن جبلة عن صارم قال:

اشتكى رجل من إخواننا بمكة حتى سقط للموت فلقيت أبا عبد الله عليه السلام في الطريق.

فقال لي يا صارم ما فعل فلان؟ فقلت: تركته بحال الموت فقال: أما لو كنت مكانكم لا سقيته من

ماء الميزاب قال: فطلبناه عند كل أحد فلم نجده فبيننا نحن كذلك إذا ارتفعت سحابة أرعدت

وأبرقت وأمطرت فجئت إلى بعض من في المسجد فأعطيته درهما وأخذت قدحا ثم أخذت من

ماء الميزاب فأتيته به فسقيته فلم أبرح من عنده حتى شرب سويقا وبرأ.

صارم می‌گوید: یکی از برادران ما رو به مردن بود من امام صادق علیه السلام را در راه دیدم داستان را

برایش گفتم حضرت فرمود: اگر به جای شما بودم هر آینه از آب ناودان کعبه به او می‌نوشاندم. در این هنگام

مقداری از آب ناودان را برداشتم و به آن شخص دادم هنوز از پیش او نرفته بودم که دیدم شفا یافت .

برقی، أحمد بن محمد بن خالد (متوفای ۲۷۴)، المحاسن، ج ۲، ص ۵۷۴، دار الکتب الإسلامية - طهران

سند دوم: مصادف از امام صادق علیه السلام

همین روایت را مرحوم کلینی با سند دیگر چنین می‌نگارد:

محمد بن يحيى عن عبد الله بن جعفر وغيره وعدة من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد الله جميعا عن يعقوب بن يزيد عن يحيى بن المبارك عن عبد الله بن جبلة عن مصادف قال: اشتكى رجل من إخواننا بمكة حتى سقط للموت ...

الكلينى الرازى، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الكافى، ج ۶، ص ۳۸۷، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

۸. تبرک به آب فرات (برخی اسناد روایت صحیح است)

در پاره‌ای از احادیث اهل بیت علیهم السلام بهره‌وری و تبرک به آب فرات، سفارش شده است. در برخی از این دسته روایات، تبرک به آب فرات به عنوان وسیله‌ای شفا بخش و در دسته‌ای دیگر، کام گرفتن نوزاد (تحنیک) به آن، امری مستحسن دانسته شده است.

متن اول: استشفاء به آب فرات

همانگونه که گفته آمد رهاورد برخی روایات، تبرک و بهره‌مندی از آب فرات جهت رفع بیماریهاست. این مضمون با سندهای متفاوت در میراث روایی ما به ثبت رسیده است.

سند اول: ابو الجارود از امام باقر علیه السلام

سند نخست را ابن قولویه به صورت زیر آورده است:

باسناد عن أحمد بن محمد عن عثمان بن عيسى عن أبي الجارود عن أبي جعفر عليه السلام قال: لو أن بيننا وبين الفرات كذا وكذا ميلا لذهبنا إليه واستشفينا به.

ابو الجارود از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: اگر فاصله بین ما و بین فرات فلان و فلان مقدار میل می‌بود همانا این راه را طی می‌کرده و به آن آب خود را می‌رسانده و بواسطه‌اش استشفاء می‌جستیم.

القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷ هـ)، کامل الزیارات، ص ۱۰۶، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷ هـ

سند دوم: عبد الله بن سليمان از امام صادق علیه السلام

سند دوم هم از ابن قولویه به شرح ذیل می‌باشد:

حدثني محمد بن الحسن بن علي بن مهزيار عن أبيه عن جده علي بن مهزيار عن الحسين بن سعيد عن علي بن الحكم عن ربيع ابن محمد المسلمي عن عبد الله بن سليمان قال: لما قدم أبو عبد الله عليه السلام الكوفة في زمن أبي العباس فجاء علي دابته في ثياب سفره حتى وقف على

جسر الكوفة ثم قال لغلامه: اسقني فأخذ كوز فغرف له به فأسقاها فشرب ثم قال: نهر ماء ما أعظم بركته اما لو علم الناس ما فيه من البركة لضربوا الأخبية على حافته اما لولا ما يدخله من الخاطئين ما اغتمس فيه ذو عاهة الا برا.

عبد الله بن سليمان مي گوید: در زمان ابو العباس وقتي امام صادق عليه السلام به كوفه تشریف آوردند سوار مركب بوده در حالي كه لباسهاي سفر به تن داشتند حضرت روي پل كوفه توقف فرموده سپس به غلام فرمودند: به من آب بده. غلام كوزه را گرفت و در آن آب ريخت و سپس به حضرت آب داد. آن جناب آب را نوشيدند سپس فرمودند: فرات نهر آبي است و چقدر برکتش زياد مي باشد و اگر مردم به برکتی كه در اين آب هست واقف بودند در اطراف آن خيمه مي زدند و از آن توشه برمي داشتند. سپس فرمود: اگر گناهكاران در آن داخل نشده بودند به طور قطع هر مريض و آفت زده اي كه داخلش مي شد و در آن فرو مي رفت مرضش بهبود مي يافت و آفتش برطرف مي گشت.

القمي، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۱۰۹، تحقیق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

سند سوم: حسين بن سعيد از امام صادق عليه السلام

کلینی قریب به همین مضمون روایت را با این سند می آورد:

محمد بن يحيى عن علي بن الحسين عن ابن أورمة عن الحسين بن سعيد رفعه قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: لو كان بيننا وبينه أميال لأتيناها ونستسقي به.

حسین بن سعید از امام صادق علیه السلام نقل می کند: اگر میان ما و فرات فلان مقدار میل فاصله بود، هر آینه نزد آن می آمدم و از آن می نوشیدیم.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الكافي، ج ۶، ص ۳۸۸، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲هـ.ش.

متن دوم: تحنیک به آب فرات

کام گرفتن نوزاد به آب فرات یا همان تحنیک، دیگر مسأله مورد سفارش پیشوایان دین است. این مضمون هم با سندهای متفاوت در میراث روایی ما انعکاس یافته که در ذیل بیان می گردد:

سند اول: حسين بن عثمان از امام صادق عليه السلام

سند نخست را ابن قولويه چنین می آورد:

حدثني أبي عن سعد بن عبد الله عن إبراهيم بن مهزيار عن أخيه علي بن مهزيار عن ابن أبي عمير عن الحسين بن عثمان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: ما أظن أحدا يحنك بماء الفرات الا كان لنا شيعة.

امام صادق عليه السلام: گمان نمی‌کنم کسی به آب فرات تحنیک کند مگر آنکه شیعه ماست.
القمی، **أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفى ٣٦٧هـ)**، كامل الزيارات، ص ١١٠، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ١٤١٧هـ.
بررسی سند:

بررسی های انجام شده نشان می دهد سند این روایت از استحکام کافی برخوردار است. پدر ابن قولویه به عنوان نخستین فرد از این سلسله است. همانطور که در این نوشتار گفته آمد، بنا به گفته‌ی مولف، مشایخ بلاواسطه او، همگی مورد وثوق‌اند. جایگاه رفیع سعد بن عبد الله در بررسی‌های پیشین، بیان گردید. ابراهیم بن مهزیار هم از جمله راویان تفسیر علی بن ابراهیم قمی است.
القمی، **أبي الحسن علی بن ابراهیم (متوفای ٣١٠هـ)** تفسیر القمی، ج ١، ص ٢٨، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: السيد طیب الموسوی الجزائری، ناشر: مؤسسة دار الكتاب للطباعة والنشر - قم، الطبعة: الثالثة، صفر ١٤٠٤. و همانطور که گذشت راویان تفسیر علی بن ابراهیم، بنا به شهادت مولف، همگی مورد وثوق‌اند.

جلالت قدر علی بن مهزیار و ابن ابی عمیر هم در این نوشته بیان گردید. نجاشی آخرین راوی در این سلسله یعنی حسین بن عثمان را با عبارت "ثقة" می‌ستاید.
النجاشی **الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ٤٥٠هـ)**، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ٥٣، تحقیق: السيد موسی الشبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

سند دوم: هارون بن خارجه از امام صادق عليه السلام

سند دوم هم توسط ابن قولویه به شرح ذیل است:

حدثني أبي عن الحسن بن متيل عن عمران بن موسى عن أبي عبد الله الجاموراني الرازي عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن سيف بن عميرة عن صندل عن هارون بن خارجه قال أبو عبد الله عليه السلام: ما أحد يشرب من ماء الفرات ويحنك به إذا ولد الا أحبنا لان الفرات نهر مؤمن.

امام صادق علیه السلام: احدي نيست كه از آب فرات بنوشد و بوسيله آن هنگام تولد تحنيك شود مگر آنكه ما را دوست مي دارد زيرا فرات نهر مؤمن مي باشد.

القمي، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفى ۳۶۷هـ)، كامل الزيارات، ص ۱۱۱، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

سند سوم: سليمان بن هارون از امام صادق عليه السلام

ابن قولويه همين مضمون را با سند ديگر به گونه ذيل روايت مي دهد:

حدثني علي بن الحسين بن موسى بن بابويه عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن ابن فضال عن ثعلبة بن ميمون عن سليمان بن هارون: قال أبو عبد الله عليه السلام: ما أظن أحدا يحنك بماء الفرات الا أحبنا أهل البيت.

امام صادق عليه السلام: گمان نمي كنم كسي با آب فرات تحنيك كند مگر آنكه ما اهل بيت پيامبر را دوست مي دارد.

القمي، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفى ۳۶۷هـ)، كامل الزيارات، ص ۱۱۱، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

سند چهارم: سليمان بن هارون از امام صادق عليه السلام

روايت پيشين با تفاوتی اندك در سلسله سند، به شكل زير انعكاس يافته است:

حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن علي بن فضال عن ثعلبة بن ميمون عن سليمان بن هارون العجلي قال: سمعت أبا عبد الله (عليه السلام) يقول ...

القمي، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفى ۳۶۷هـ)، كامل الزيارات، ص ۱۰۷، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، لجنة التحقيق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ

سند پنجم: أم میثم از مادر امام رضا عليه السلام

مطابق روايت شيخ صدوق، امام كاظم عليه السلام هنگام ولادت فرزندش علي بن موسى عليه السلام، مقداری از آب فرات را در كام او ريخت.

حدثني تميم بن عبد الله بن نعيم القرشي رضي الله عنه حدثني أبي عن أحمد بن علي الأنصاري عن علي بن ميثم عن أبيه قال سمعت أمي تقول سمعت نعمة أم الرضا عليه السلام تقول لما حملت بابني علي ... وكنت اسمع منامي تسيحا وتهليلا وتمجيذا من بطني ... فلما

وضعتہ وقع الأرض واضعا يديه على الأرض رافعا رأسه السماء يحرك شفثيه كأنه يتكلم فدخل إلى أبوه موسى بن جعفر عليه السلام فقال لي : هنيئا لك يا نجمه كرامة ربك فناولته إياه في خرقه بيضاء فاذن في اذنه الأيمن وأقام في الأيسر ودعا بماء الفرات فحنكه به ثم رده إلى فقال : خذيه فإنه بقيه الله تعالى في ارضه.

علي بن ميثم از پدرش روایت کرده است که گفت: از مادرم شنیدم که میگفت از نجمه مادر امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود چون من حامله شدم به پسر م علی، ... در خواب که بودم از شکم خود صدای تسبیح و تهلیل و تمجید میشنیدم ... تا اینکه وقت وضع حمل من شد آن جناب بر زمین واقع شد در حالی که دو دست خود را بروی زمین نهاده بود و سر خود را رو به آسمان بلند کرده بود و حرکت می داد دو لب خود را گویا تکلم میکرد. پس داخل شد بر من پدر بزرگوارش موسی بن جعفر علیهما السلام و فرمود که ای نجمه گوارا باد از برای تو کرامت پروردگار تو. پس من آن طفل را در خرقه سفیدی پیچیده بدست آن حضرت دادم پس در گوش راست او اذان گفت و در گوش چپش اقامه و آب فرات خواست پس آن آب را در کام او ریخت و آن طفل را رد کرد و به من فرمود او را بگیر که این است بقیه الله در زمین او.

القمی، ابی جعفر الصدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۳۸۱هـ)، عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۳۰، تحقیق: تصحیح و تعلیق و تقدیم: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسۃ الأعلمی للمطبوعات - بیروت - لبنان، سال چاپ: ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م

سند ششم : یونس از بعض اصحابه از امام صادق علیه السلام

آخرین روایت در این باره را کلینی با سندی مرسل، اینگونه می‌نگارد:

علي بن إبراهيم عن أبيه عن إسماعيل بن مرار عن يونس عن بعض أصحابه عن أبي جعفر عليه السلام: يحنك المولود بماء الفرات ويقام في اذنه.

شایسته است که مقداری از آب فرات در کام نوزاد ریخته شود و در گوش او اقامه گفته شود

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۶، ص ۲۴، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

کلینی بار دیگر همین مضمون را با عبارت "وفي رواية أخرى حنكوا أولادكم بماء الفرات"

هم به ثبت رسانده است

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۶، ص ۲۴، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

۹: تبرک به مکان‌های دارای ارزش معنوی (روایت دارای چند سند صحیح و معتبر است)

بر اساس دسته‌ای از روایات، تبرک جستن به پاره‌ای از مکان‌های مقدس هم مورد سفارش معصومان علیهم السلام بوده است

۱. تبرک نزد استوانه‌های مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم

مطابق روایتی که مرحوم کلینی نقل می‌کند امام صادق علیه السلام سفارش می‌کند تا نزد استوانه‌های مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رفته و آنجا از خدا حاجت خواهی شود. این دستور العمل به جهت متبرک بودن آن مکان است. سند روایت هم از اتقان و اعتبار کافی برخوردار است.

علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا دخلت المسجد، فإن استطعت أن تقيم ثلاثة أيام الأربعاء والخميس والجمعة فصل ما بين القبر والمنبر يوم الأربعاء عند الأستوانة التي تلي القبر فتدعو الله عندها وتسأله كل حاجة تريدها في آخره أو دنيا واليوم الثاني عند أستوانة التوبة ويوم الجمعة عند مقام النبي (صلى الله عليه وآله) مقابل الأستوانة الكثيرة الخلق فتدعو الله عندهن لكل حاجة وتصوم تلك الثلاثة الأيام.

هر گاه داخل مسجد شدی اگر می‌توانی سه روز یعنی چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه، در آنجا اقامت کن و در روز چهارشنبه ما بین قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و منبر، نزد ستونی که در کنار قبر است نماز بگذار و در آنجا خدا را می‌خوانی و هر حاجتی را از خداوند طلب می‌کنی. همچنین در روز دوم نزد ستون توبه و روز سوم نزد مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نماز می‌گذاری و خدا را برای هر حاجتی در آنجا می‌خوانی.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۵۵۸، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

اعتبار و اتقان علی بن ابراهیم و پدرش بیان گشت. شیخ طوسی حماد بن عیسی‌ی‌ال‌ناب را با عباراتی چون "ثقة جلیل‌القدر" مدح می‌کند.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰ هـ)، الفهرست، ص ۱۱۵، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى ۱۴۱۷

نجاشی آخرین راوی یعنی عبید الله حلبی را به همراه جدش، پدرش و برادرانشان، افرادی مورد اعتماد می‌داند. او می‌گوید:

كانوا جميعهم ثقات مرجوعا إلى ما يقولون.

(حلبی، جدش، پدرش و برادرانش افرادی مورد وثوق اند و آنچه که می‌گویند قابل قبول است)
النجاشی الأسدی الکوفی، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر برجال النجاشی، ص ۲۳۱، تحقیق: السيد موسی الشیبیری الزنجانی، ناشر: مؤسسه النشر الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

۲. تبرک نزد قبر امام حسین علیه السلام

در روایاتی چند، معصوم علیه السلام برای رفع مشکلات خود و دیگران، دستور می‌دهد کنار قبر امام حسین علیه السلام رفته و در آنجا حاجت خواهی شود. این دسته از روایات هم به لحاظ کثرت اسنادشان، قابل اطمینان است.

سند اول: ابو جعفر هاشمی از امام هادی علیه السلام

روایت نخست در این باره را کلینی اینگونه می‌آورد:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ ع فِي مَرَضِهِ وَإِلَى مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ فَسَبَقَنِي إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ وَأَخْبَرَنِي مُحَمَّدٌ مَا زَالَ يَقُولُ ابْعَثُوا إِلَيَّ الْحَيْرِ ابْعَثُوا إِلَيَّ الْحَيْرِ فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ أَلَا قُلْتَ لَهُ أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَيْرِ ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَيْرِ فَقَالَ انظُرُوا فِي ذَاكَ ثُمَّ قَالَ لِي إِنَّ مُحَمَّدًا لَيْسَ لَهُ سِرٌّ مِنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ يَسْمَعَ ذَلِكَ - قَالَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ - لِعَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ فَقَالَ مَا كَانَ يَصْنَعُ بِالْحَيْرِ وَهُوَ الْحَيْرُ فَقَدِمْتُ الْعَسْكَرَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقَالَ لِي اجْلِسْ حِينَ أَرَدْتُ الْقِيَامَ فَلَمَّا رَأَيْتُهُ أَنْسَ بِي ذَكَرْتُ لَهُ قَوْلَ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ فَقَالَ لِي أَلَا قُلْتَ لَهُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيُقَبِّلُ الْحَجَرَ وَحُرْمَةَ النَّبِيِّ وَالْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَيْتِ وَأَمْرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقِفَ بَعْرِفَةَ وَإِنَّمَا هِيَ مَوَاطِنٌ يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يَذَكَرَ فِيهَا ...

ابو هاشم جعفری گفت: حضرت ابو الحسن امام هادی علیه السلام موقعی که بیمار شده بود از پی من و محمد بن حمزه فرستاد محمد بن حمزه از من جلوتر خدمت آن حضرت رسید. گفت امام علیه السلام پیوسته می‌فرمود یک نفر را بکربلا بفرستید برایم دعا کند من به محمد گفتم میخواستی بگوئی من به کربلا میروم. بعد خودم خدمت آن جناب رسیده عرض کردم آقا! اجازه می‌فرمائید من بکربلا مشرف شوم. فرمود در این مورد باید

دقت کنی که مأموریت متوجه تو نشوند و برایت ناراحتی فراهم نگردد آنگاه فرمود محمد قابل اعتماد نیست زیرا او زیدی مذهب است و من نمی‌خواهم او بفهمد گفت من این حرف را برای علی بن بلال نقل کردم او گفت بکربلا چه احتیاجی دارد. من خدمت امام علیه السلام رسیدم موقعی که از حرکت کنم فرمود بنشین وقتی دیدم آن جناب مرا مورد تفقد قرار داد سخن علی بن بلال را برایش نقل کردم، فرمود میخواستی باو بگوئی پیامبر اکرم خانه کعبه را طواف میکرد و حجر الاسود را میبوسید با اینکه احترام پیامبر و مؤمن بیشتر از خانه است خداوند باو دستور داد که در عرفه توقف کند. اینها محل‌هائی است که خداوند دوست دارد در این محل‌ها او را بخوانند

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷، ناشر:

اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند دوم: محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام

حدثني الحسن بن عبد الله بن محمد بن عيسى ، عن أبيه ، عن الحسن بن محبوب ، عن العلاء بن رزين ، عن محمد بن مسلم ، عن أبي جعفر (عليه السلام) ، قال : ان الحسين صاحب كربلاء قتل مظلوما مكروبا عطشانا وحق علي الله عز وجل ان لا يأتيه لهفان ولا مكروب ولا مذنب ولا مغموم ولا عطشان ولا ذو عاهة ثم دعا عنده وتقرب بالحسين عليه السلام إلى الله عز وجل الا نفس الله كربته.

امام باقر علیه السلام: حسین علیه السلام صاحب کربلاء است در حالی که مظلوم و اندوهگین و تشنه و غصه‌دار بود شهید شد غصه‌دار و اندوهگین و گناه‌کار و غمگین و تشنه و صاحب عیب و آفتی به زیارت آن حضرت نیاید و سپس نزد آن حضرت دعا کند و بواسطه آن جناب به خداوند تقرب جوید مگر آنکه بر خداست که حزن و اندوهش را بر طرف می‌کند.

القمی، أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه (متوفای ۳۶۷ هـ)، کامل الزیارات، ص ۳۱۴، تحقیق: الشیخ

جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷ هـ

سند سوم: ابن ابی یعفر از امام صادق علیه السلام

حدثني أبو العباس الكوفي ، عن محمد بن الحسين ، عن صفوان ، عن الوليد بن حسان ، عن ابن أبي يعفور ، قال : قلت لأبي عبد الله (عليه السلام) : دعاني الشوق إليك ان تجشمت إليك علي مشقة ، فقال لي: فهلا أتيت من كان أعظم حقا عليك مني قلت: ومن أعظم علي حقا منك قال: الحسين ابن علي عليهما السلام الا أتيت الحسين عليه السلام فدعوت الله عنده وشكوت إليه حوائجك

ابن ابی یغفور می گوید: محضر مبارک امام صادق علیه السلام عرض کردم: شوق ملاقات شما من را بر آن داشت که مشقت‌ها و مشکلات را تحمل کرده تا محضر شما برسم. حضرت به من فرمودند: آیا به زیارت کسی که حقتش بر تو از من بر تو بیشتر است رفته‌ای؟ عرضه داشتم: چه کسی حقتش بر من از شما بیشتر است؟ حضرت فرمودند: حسین بن علی علیهما السلام، آیا به زیارت آن حضرت رفته‌ای؟ و خدا را در آنجا خوانده‌ای؟ و حوائج و نیازمندی‌های خود را در آنجا بر خدای متعال عرضه کرده‌ای یا نه؟

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۳۱۵، تحقیق: **الشیخ جواد القیومی**، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ.

سند چهارم: حلبی از امام صادق علیه السلام

حدثني محمد بن الحسن ، عن محمد بن الحسن الصفار ، عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن الحسن بن علي بن فضال ، عن مفضل بن صالح ، عن محمد بن علي الحلبي ، عن أبي عبد الله عليه السلام ... وان إلى جانبها (أهل الكوفة) قبرا لا يأتيه مكروب فيصلي عنده أربع ركعات الا رجعه الله مسرورا بقضاء حاجته.

در جانب کوفه قبری است که هیچ صاحب مشکلی آنجا نمی رود و در آنجا چهار رکعت نماز نمی گذارد مگر آنکه خداوند او را شادمان بر می گرداند.

القمی، **أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)**، کامل الزیارات، ص ۳۱۳، تحقیق: **الشیخ جواد القیومی**، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ.

سند پنجم: اسحاق بن یزید از امام صادق علیه السلام

حكيم بن داود ، عن سلمة بن الخطاب ، عن إبراهيم بن محمد ، عن علي بن المعلى ، عن إسحاق بن يزداد قال : أتى رجل أبا عبد الله (عليه السلام) فقال : اني قد ضربت علي كل شي لي ذهباً وفضة وبعث ضياعي ... قال: عليك بالعراق الكوفة فان البركة منها على اثني عشر ميلاً ، هكذا وهكذا والى جانبها قبر ما اتاه مكروب قط ولا ملهوف الا فرج الله عنه

اسحاق بن یزید می گوید: شخصی نزد حضرت ابا عبد الله علیه السلام مشرف شد عرض کرد: آنچه طلا و نقره داشتم معامله کرده و املاک خود را نیز فروخته‌ام و همه را به صورت پول نقد درآورده‌ام که از شهر خود به جای دیگر بروم کجا ساکن گردم؟ حضرت فرمودند: بر تو باد به عراق و شهر کوفه زیرا برکت از آن شهر ناشی شده و تا شعاع دوازده میلی آن شهر پرتو افکنده و در یک جانب آن شهر قبری است (قبر مطهر حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام) که هیچ اندوهگین و محزونی هرگز به زیارتش نمی‌رود مگر آنکه حق تعالی حزن و غم او را برطرف می‌فرماید.

القمی، أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷هـ)، کامل الزیارات، ص ۳۱۵، تحقیق: الشیخ جواد القیومی، لجنة التحقیق، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، الطبعة: الأولى ۱۴۱۷هـ.

۳. تبرک به مکان نماز

یکی دیگر از مکانهایی که تبرک بدان مورد سفارش است، محلی است که فرد در آن نماز می گذارده است. روایت مورد نظر آنگونه که در کتاب کافی به ثبت رسیده، دارای سندی قابل قبول است.

محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن النضر بن سويد عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله عليه السلام: إذا عسر على الميت موته ونزعه قرب إلى مصلاه الذي كان يصلي فيه.

آنگاه که برای فردی جان دان سخت شد نزدیک مکانی که در آن نماز می گذارده، برده شود. الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸هـ)، الکافی، ج ۳ ص ۱۲۵، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند

شرح حال دو راوی نخست یعنی محمد بن یحیی العطار و احمد بن محمد بن عیسی بیان گردید.

الحسین بن سعید به عنوان راوی بعدی در نگاه شیخ الطایفه، مورد اعتماد است. او می گوید:

الحسين بن سعيد الأهوازي من موالی علي بن الحسين عليه السلام ثقة.

حسین بن سعید اهوازی فردی مورد وثوق است.

الطوسی، الشیخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، الفهرست، ص ۱۱۲،

تحقیق: الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهه، چاپخانه: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الأولى ۱۴۱۷

همچنین نضر بن سويد در نگاه نجاشی مورد اعتماد است او می گوید:

نضر بن السويد الصيرفي كوفي ثقة صحيح الحديث.

نضر بن سويد فردی مورد وثوق است واحادیث او صحیح است.

النجاشی الأسدی الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علی بن أحمد بن العباس (متوفای ۴۵۰هـ)، فهرست أسماء

مصنفي الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ۴۲۷، تحقیق: السيد موسى الشيبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسه النشر

الاسلامی - قم، الطبعة: الخامسة، ۱۴۱۶هـ.

نجاشی عبد الله بن سنان را با این اوصاف می ستاید:

عبد الله بن سنان بن طريف مولى بني هاشم ثقة من أصحابنا جليل لا يطعن عليه في شيء.

عبد الله بن سنان فردی مورد وثوق و با منزلت است و قدحی بر او نیست.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء

مصنفي الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ص ٢١٤، تحقيق: السيد موسى الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر

الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

١٠. تبرک به ذکر صلوات برای رفع حاجت

آخرین مورد ، تبرک جستن به ذکر صلوات است. مجموعه‌ای از احادیث در منابع امامیه، عهده دار این بخش می‌باشد. اعتبار و اتقان این دسته روایات، به دلیل کثرت اسنادشان، به آسانی مورد تصدیق می‌باشد.

متن اول: من كانت له إلى الله حاجة فليبدأ بالصلاة على محمد وآله ثم يسأل حاجته

در برخی از این روایات سفارش شده که برای درخواست هر حاجتی، نخست بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خاندانش درود فرستاده، سپس خواسته‌اش را بخواهد.

سند یکم: حارث بن مغیره از امام صادق علیه السلام

اولین سند از متن یاد شده را مرحوم کلینی چنین آورده است:

الحسين بن محمد عن معلى بن محمد عن الحسن بن علي عن حماد ابن عثمان عن

الحارث بن المغيرة قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: إذا أردت أن تدعو فمجد الله عز وجل

واحمده وسبحه وهله وأثن عليه وصل على محمد النبي وآله ثم سل تعط.

هر گاه خواستی دعا کنی ابتدا حمد و ستایش خدای سبحان کن و درود فرست بر محمد و آلش علیهم

السلام آنگاه حاجتت را بخواه که به تو عطا می‌گردد.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ٣٢٨هـ)، الكافي، ج ٢، ص ٤٨٥، ناشر:

اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ١٣٦٢هـ.ش.

سند دوم: حارث بن مغیره از امام صادق علیه السلام

سند دوم را نیز مرحوم کلینی می‌آورد:

أبو علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن الحارث بن المغيرة

قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إياكم إذا أراد أحدكم أن يسأل من ربه شيئاً من حوائج

الدنيا والآخرة حتى يبدأ بالثناء على الله عز وجل والمدح له والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله ثم يسأل الله حوائجه.

بر شما باد که هر گاه کسی از شما خواست چیزی از خداوند بخواهد ابتدا ثنای خداوند نموده و درود فرستت به محمد و آلش سپس درخواست کند.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۲، ص ۴۸۴، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند سوم: ابان بن عثمان از امام صادق علیه السلام

سند سوم در این باره را شیخ صدوق به شکل زیر روایت می کند:

أخبرنا محمد بن محمد قال أخبرني أبو القاسم جعفر بن محمد عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عن أبان بن عثمان الأحمر عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام قال: إذا دعا أحدكم فليبدأ بالصلاة على النبي صلى الله عليه وآله فإن الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله مقبولة ولم يكن الله ليقبل بعض الدعاء ويرد بعضا.

هر گاه کسی از شما خواست چیزی از خداوند بخواهد باید ابتدا بر محمد و آلش درود فرستد چرا که درود بر آن حضرت و آلش نزد خداوند مقبول است و خداوند اینگونه نیست که قسمتی از دعا را قبول و قسمتی را رد کند.

الطوسی، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علی بن الحسن (متوفای ۴۶۰ هـ)، الأمالی، ص ۱۷۲، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة، ناشر: دار الثقافة - قم، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ هـ.

متن دوم: کل دعاء محجوب عن السماء حتى تصلى على محمد وآله

مطابق برخی روایات، هیچ خواهسته‌ای مورد اجابت واقع نمی‌شود تا وقتی که با درود بر پیامبر و آل او، مقرون گردد.

سند یکم: هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام

اولین سند از متن دوم توسط مرحوم کلینی به صورت ذیل انعکاس یافته است:

علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام: لا يزال الدعاء محجوبا حتى يصلي على محمد و آل محمد.

دعاها همیشه پوشیده است تا آنکه فرد، نخست بر پیامبر و آل او درود فرستد.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الکافی، ج ۲، ص ۴۹۱، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

سند دوم: حارث اعور از امام علی علیه السلام

شیخ صدوق سند دیگر از این متن را در کتاب ثواب الاعمال اینگونه آورده است:
بهذا الاسناد عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبيه عن عبد الله بن المغيرة عن عبد الكريم الخزاز عن أبي إسحق السبيعي عن الحارث الأعور: قال أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام كل دعاء محبوب عن السماء حتى تصلي علي محمد وآله.
هر دعایی پوشیده است تا آنکه نخست بر پیامبر و آل او درود فرستی.

صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، ثواب الأعمال، ص ۱۵۵، منشورات الشریف

الرضی - قم

نتیجه کلی:

رهاورد این نوشتار، مشروعیت انتفاع و تبرک به پاره‌ای از اشیایی است که نوعی قداست و امتیاز را حائزاند. همچنین معلوم گشت که بخش قابل توجهی از روایات مربوط بدان معیار پذیرش و مقبولیت را مطابق استانداردهای علم رجال دارند.

×موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)